

آندره گرین

آندره گرین در 12 مارس 1927 در قاهره مصر متولد شد. او نوزده سال نخست عمر خود را در مصر گذراند بعد از آن به خاطر بیماری خواهرش مجبور شدند به فرانسه سفر کنند سفری که زمینه ساز روانکاو شدن او شد. در 1946 وارد دانشکده پزشکی پاریس شد و در 1953 به عنوان یک روانپزشک فارغالتحصیل گردید. در 1965 پس از اینکه دوره آموزشی روانکاویش را به اتمام رساند به عضویت جامعه روانکاو پاریس در آمد جامعه ای که از 1986 تا 1989 ریاست آنرا به عهده داشت. از افتخارات دیگر پروفیسور گرین می توان به نایب ریسی انجمن بین المللی روانکاویش از 1975 تا 1977 اشاره کرد. همچنین وی از 1979 تا 1980 استاد کالج دانشگاه لندن بود. او رابطه نزدیکی با اعضای جامعه روانکاو بریتانیا داشت و از جمله اینکه دوست نزدیک روزنفلد روانکاو شهیر کلینی بود دوستی که تا آخر عمر روزنفلد ادامه یافت.

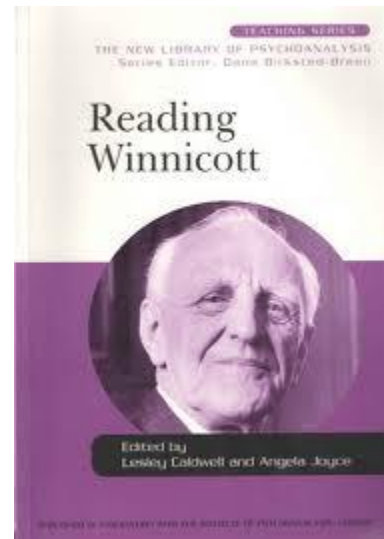
پروفیسور گرین در سن 84 سالگی در 22 ژانویه 2012 در پاریس در گذشت. از او 30 کتاب و مقاله های متعددی در زمینه نظریه و کاربردهای روانکاویش و نقد روانکاوانه فرهنگ و ادبیات به جا مانده است که بسیاری از آنها داری ترجمه انگلیسی است. گرین در 1989 با خانم روانکاویش به نام لیزا ازدواج کرد حاصل این ازدواج سه فرزند بود.



خط تحول اندیشه

دو خط فکری عمده را می توان در کار گرین متمایز کرد:

نخست تاثیر گرفتن او از ژاک لاکان فیلسوف روانکاو فرانسوی است که به خاطر هفت سال شرکت کردن او در سمینارهای لاکان شکل گرفت. دیگر، می توان به تاثیری که او از خط کلاینی روانکاو به ویژه بیون و نیز وینی کات گرفته اشاره کرد. خط اول تفکر او منشعب از رویکرد پدر سالارانه لاکان و خط دوم تفکر او برخاسته از رویکرد مادر محور بیون و وینی کات است.



بافتار عمده ی کار گرین متمرکز بر نظریه عواطف است . اصلی ترین مفاهیمی که وی بر روی آنها در طول شصت سال کار کرد عبارتند از:

مادر مرده، خودشیفتگی مرگ، روانپریشی سفید، توهم منفی، حالتهای خودشیفتگی و مرزی.

رویارویی با لاکان

یکی از نخستین رویارویی های او با لاکان به تفسیر او در مورد سکوت بر می گردد. سکوت یک جنبه حیثیتی در کار لاکان و روانکاو فرانسوی است. لاکان خودداری از سخن گفتن را باعث راه افتادن گفتار روانکاوانه در قالب تداعی آزاد می دانست. اما گرین بین دو نوع سکوت تمایز قائل شد: سکوت تسهیلگر و کشنده. او به نقل از یک بیمار می نویسد: «فقط یک روانکاو است که در پاریس حرف می زند و من مجبورم به او تن دهم».

کارهای جنجالی و بحث برانگیز لاکان مانند درگیری فیزیکی با مراجعانش و کشیدن موهای آنها، ویزیت بیش از هشتاد مراجع در روز که به برخی حتی دو دقیقه نیز بیشتر نمی رسید و باعث شد بسیاری از روانکاوان شاخص از جمله گرین از او جدا شوند و این کارهای خارج از عرف اخلاق حرفه ای بین المللی باعث اخراج لاکان از انجمن بین المللی روانکاوی نیز شد.



البته اشکالی که گرین به لاکان گرفت فقط محدود به شخصیت یا کارهای جنجال برانگیز او نبود بلکه او به ساختار نظری لاکانی نیز ایرادهایی را وارد می کرد که در این مجال به یکی از معروفترین نقل قول های پروفیسور گرین می پردازیم:

«لاکان می گوید ناخودآگاه ساختاری چون زبان دارد.. اگر شما فروید را خوب خوانده باشید به روشنی می فهمید که این پندار حتی برای یک لحظه صحت ندارد. فروید روشن تر از آنچه می دانستیم، مخالف آن است که ناخودآگاه به نیمه آگاهی تقلیل یابد. آنچه که به زبان مربوط است بیشتر در ارتباط با نیمه آگاهی است تا ناخودآگاهی حال آنکه، فروید همواره خاطر نشان کرده است

که ناخودآگاه بازنمایی شیء است نه چیز دیگر»

هر چند گرین از لاکان، بیون و وینی کات متأثر است. اما کار او در واقع پس از آشنایی او با آثار ملانی کلاین و تأثیر گرفتنش از مفهوم تکانه های ویرانگری کلاین به سوی فروید معطوف شد. بازگشت او به فروید از ایستگاه فراسوی اصل لذت اوست، 1920



سخن آخر

کوهن در 1999 گرین را یکی از مهمترین متفکران روانکاوی معاصر می نامد. روانکاوی که بی تردید یکی از بزرگترین روانکاوان معاصر است. او را یک روانکاو فرویدی می دانند که سنتز خود از بر پایه نظریه پایه فروید بنا نهاد و تأثیری که از وینی کات، بیون و لاکان گرفته بود در دل نظریه مرجع فرویدی جای داد.

متاسفانه در فضای روانکاوی هنوز دانشجویان مشتاق روانکاوی اشتیاق خود را با تاریخدانانه برخورد کردن با فروید می سوزانند و به طور معمول آنقدر وقت خود را در فضای هیپنوتیکی فرویدی می گذرانند که پس از آن هر نظریه ای را که ادعای نزدیک تر بودن به فروید را دارد بی چون و چرا می پذیرند. حال آنکه چنین ترفندی در که یک نظریه بخواهد با استناد به فروید ابتدا ذهن مخاطب را مفتون بزرگی او کند و وقتی مخاطب با این فرافکنی یکی شد حقانیت خود را ثابت کند ترفندی نخ نماست که بیشتر استفاده فرقه ای دارد تا دانش محور، به همان معنی معرفت شناسی اصیل روانکاوی، دارد. به قول اتو اف کرنبرگ این شکل برخورد با روانکاوی هر نوع خلاقیت را در دانشجویان می کشد و از آنها برده هایی مطیع و ماشین های تعبیر می سازد. امیدواریم خواندن آثار بزرگان اندیشمندی چون آندره گرین که در تار عنکبوتی و دهلیز تو در توی سردرگم کننده شبه روانکاوی نماندند روشن گر باشد.

پی اس ایران(رواندرمانی و روانکاوی در ایران) یاد و نام این روانکاو شهیر را گرامی می دارد. امید است این مختصر باعث انگیزه بیشتر برای مطالعه آثار گرین شود.

-http://en.wikipedia.org/wiki/Andr%C3%A9_Green

-Life and Death of the Dead Father: André Green 1927 – 2012

Rosine Jozef Perelberg

-The Shrink from Hell Raymond Tallis